



میثم اکبری

خبرنگار

بعد از تصویب قانون پولی و بانکی کشور در سال ۱۳۵۱ تاکنون سیر تحولات در نظام بانکداری در ایران و دنیا موجب دگرگونی‌های فراوانی شده که عدم به‌روزرسانی در این بازه طولانی‌مدت علاوه‌بر نارسایی‌هایی در عرصه سیاستگذاری و اجرا، موجب ارائه پاسخ‌های قدیمی و منسوخ به نیازمندی‌های جدید شده که بعضاً تضاد منافع و کژکارکردی در برخورد با تحولات جدید، تصمیم‌گیری‌های خلق الساعه در نبود قوانین را رقم می‌زند. نتیجه ادامه این وضع آن شد که از سال ۱۳۵۱ تاکنون قدرت خرید ریال که بانک مرکزی براساس قانون، موظف به حفظ ارزش آن بوده است ۲۳۲۰ مرتبه ضعیف‌تر شده و نرخ متوسط تورم کشور بسیار بیشتر از نرخ تورم متوسط جهانی است. از این‌رو طی سالیان گذشته زرمزه‌های مختلفی در رابطه با اصلاح نظام بانکی از مسیر اصلاح و ارائه قانون پولی بانکی سال ۱۳۵۱ که آن‌هم بر پایه قانون پولی و بانکی سال ۱۳۳۹ نگاشته شد، به‌صورت جدی وارد مطالبات شد اما دولت و بانک مرکزی در عرصه انجام این کار تعلل می‌ورزیدند تا درنهایت مجلس شورای اسلامی، طرح بانکداری جمهوری اسلامی ایران را تهیه و تدوین کرد که در مجلس دهم پس از بررسی‌های متعدد به نتیجه نرسید و مجدد در آغاز مجلس یازدهم اعلام وصول شد. طرح بانکداری جمهوری اسلامی ایران شامل سه قسمت بانک مرکزی، بانکداری و بانک توسعه است که درنهایت کلیات طرح بانک مرکزی با عنوان «مسئولیت، اهداف، ساختار و وظایف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران» در اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۰ در صحن علنی مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید و برای بررسی بیشتر به کمیسیون اقتصادی ارجاع شد که پس از ارائه گزارش شور دوم کمیسیون اقتصادی در صحن مجلس، دیروز ماده یک این طرح که مربوط به کلیات بوده، با ۱۹۸ رای موافق، یک رای مخالف و ۹ رای ممتنع موردتصویب نمایندگان قرار گرفت. این طرح که درصورت اجرا ساختار بانک مرکزی را دچار تحول و تغییر می‌کند، آرایش جدید ارکان بانک مرکزی را شامل مجمع عمومی، هیات‌عالی، هیات‌عامل، هیات نظار و شورای فقهی در نظر گرفته است. لازم به ذکر است درحال حاضر مجمع عمومی، شورای پول و اعتبار، هیات عامل، هیات نظارت انبوهتة اسکناس و هیات نظار، ارکان بانک مرکزی را تشکیل می‌دهند. لذا در زمانی که نمایندگان مجلس به اهداف این طرح رای مثبت دادند زمان خوبی است که به بررسی دیدگاه‌های طیف‌های کارشناسان این موضوع پرداخته‌شده و تفاوت گزارش‌های شور دوم با شور اول کمیسیون اقتصادی تبیین شود.

به‌طور خلاصه مخالفان این طرح می‌گویند طرح مذکور با‌دست زدن به ترکیب ارکان بانک مرکزی، به جای حل مساله تورم و حفظ ارزش پول ملی موجب ایجاد چالش‌های جدید مدیریتی در بانک مرکزی خواهد بود. کاهش استقلال بانک مرکزی نسبت به طرح اولیه، از دیگر انتقاداتها به این طرح است. کوتوله شدن چهار قانون در قالب یک قانون ۶۷ ماده نیز از دیگر انتقادات به این طرح است. موافقان افزایش قدرت نظارتی و اقتدار بانک مرکزی و تأمین حد معدلی از استقلال از دولت را ازجمله مزایای طرح معرفی می‌کنند. برخی موافقان طرح می‌گویند افزایش قدرت نظارتی بانک مرکزی به‌ویژه در حوزه نظارت بر بانک‌ها می‌تواند انگیزه تخریب این طرح را بیشتر کند. به‌هرحال، به‌نظر می‌رسد این طرح باید به دور از هرگونه شتاب‌زدگی در مجلس بررسی شده و نسبت به نقدهای سازنده بی توجه نباشد.

تغییرات طرح از شروع تا امروز

متن نهایی طرح «مسئولیت، اهداف، ساختار وظایف بانک مرکزی» که به صحن علنی ارسال شده، نسبت به متن اولیه تغییراتی داشته است. به‌طور کلی متن شور اول و دوم دارای نقاط اشتراکی در موضوعات اصلی نظیر: ارتقای فرایندهای تصمیم‌گیری و بهبود پاسخگویی و شفافیت در بانک مرکزی؛ تمهید قواعد ناظر به کنترل تعارض منافع و افزایش اقتدار نظارتی و همچنین بهبود استقلال بانک مرکزی از شبکه بانکی است. به‌نظر می‌رسد موارد اشتراکی بین طرح اول و دوم حاکی از بهبود نسبتاً قابل‌توجهی است که این طرح نسبت به قوانین وضع موجود ایجاد کند. اما در کنار نقاط اشتراک و قوت طرح، متن نهایی دوم نسبت به متن اول تغییراتی پیدا کرده که مهم‌ترین ملاحظات و پیشنهادهای ناظر بر آن به‌شرح ذیل است:

۱- صدور شورای فقهی به ارکان اصلی

در گزارش نهایی شور اول کمیسیون اقتصادی، سه رکن هیات نظار، رئیس کل و هیات‌عالی در طرح گنجانده شده بود. اما در متن نهایی شور دوم، مجمع عمومی به‌عنوان رکن جدید به ساختار نهادی بانک مرکزی اضافه شده است. در کنار مجمع عمومی، شورای فقهی که مفاد آن با اندکی تغییرات در گزارش شور اول وجود داشت به رکن تبدیل شده است. درنهایت هیات‌عامل متشکل از رئیس کل، قائم‌مقام و معاونان رئیس کل در گزارش شور دوم به‌عنوان رکن درنظر گرفته شده است(در گزارش شور اول صرفا رئیس کل رکن بود). مجمع عمومی متشکل از رئیس جمهور (رئیس مجمع)، وزیر امور اقتصادی و دارایی؛ رئیس سازمان برنامه‌ومبودجه کشور؛ دو نفر اقتصاددان دارای حداقل ۱۵ سال تجربه مرتبط، یک نفر به انتخاب رئیس مجلس شورای اسلامی و یک نفر به انتخاب رئیس قوه قضائیه است. با توجه به وظایف محول شده به مجمع عمومی می‌توان اظهار داشت از یک نگاه اعضای تصمیم‌گیر در مجمع عمومی که اکثریت آنها به‌طور مستقیم وابسته به دولت هستند خواهند توانست از طریق استفاده از ظرفیت نظارتی هیات نظار، بیش از پیش بر روند تصمیمات بانک مرکزی و هیات عالی، موثر باشند. اما از طرفی با عنایت به اینکه اکثریت اعضای مجمع عمومی نیز وابسته به دولت هستند، نتیجه این می‌شود که وجود مجمع عمومی با ترکیب حاضر اثرگذاری دولت را بر تصمیمات بانک مرکزی افزایش داده که درنهایت منجر به کاهش بیش از پیش استقلال بانک مرکزی از دولت خواهد شد.

۲- تغییر ترکیب هیات عالی برای کاهش استقلال

چنان که گفته شد، یکی از انتقاداتها به طرح اولیه از سوی برخی از منتقدان این بود که با ترکیبی که برای اعضای هیات عالی در گزارش نهایی شور اول چیده شده بود، بانک مرکزی با درجه بالای استقلال، از ذیل مداخله مدیریتی دولت و حاکمیت خارج می‌شد. در جدول ترکیب اعضای هیات‌عالی در گزارش نهایی شور اول و دوم با هم مقایسه شده است. براساس جدول، از شور اول تا شور دوم، درمجموع تعداد اعضای هیات عالی از ۹ نفر به ۷ نفر کاهش یافته است. به‌طور دقیق‌تر معاونان رئیس کل (دو نفر)، یک نفر اقتصاددان

طرح مجلس درباره بانک مرکزی چه می‌گوید؟ نسبت دولت و ساختمان میرداماد چگونه است؟ چه باید باشد؟ اقتصاددان‌ها اختلاف نظر دارند

استقلال میرداماد؛ آری یا خیر؟

یک نفر متخصص در حوزه بانکداری از ترکیب هیات عالی حذف شده و وزیر امور اقتصادی و دارایی و رئیس سازمان برنامه‌وبودجه بدان اضافه شده‌اند.
جمع‌بندی تغییرات ایجاد شده در متن نهایی شور دوم در زمینه ترکیب اعضای هیات‌عالی که وزیر امور اقتصادی و دارایی و رئیس سازمان برنامه‌وبودجه بدان اضافه شده است، تغییرنحوه نصب و عزل رئیس کل و سایر اعضای غیراجرایی هیات‌عالی که به‌طور مستقیم توسط هیات‌دولت و رئیس‌جمهور انجام می‌گیرد، تغییر در ترکیب ونحوه انتخاب هیات نظار که با پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی و تأیید مجمع عمومی انجام می‌شود و اضافه شدن مجمع عمومی بانک مرکزی و ترکیب آن همه دال بر کاهش درجه استقلال بانک مرکزی از دولت و به‌طور خاص کاهش استقلال عملکردی و نهادی بانک مرکزی از دولت در گزارش نهایی شور دوم نسبت به گزارش شور اول است مضافاً آنکه افزایش نفرت هیات‌عالی موجب کاهش ضریب موفقیت اقدامات اصلاحی و رفیق شدن مسئولیت هر یک اعضا می‌شود.

۵- انتقاد از طرح مجلس

به جای حل تورم به حاشیه پرداخته

بخش دوم از انتقادات از قبل نیز به‌صورت پراکنده مطرح می‌شد؛ اما در نامه اخیر تعدادی از روسای اسبق بانک مرکزی به رئیس مجلس مطرح شده است. در این نامه سرگشاده که نام عبدالناصر همتی، محمدحسین عادل، طهماسب مظاهری، ولی الله سیف و محمود بهمنی در آن دیده می‌شود، آمده است: «ایین طرح‌ها به دغدغه اصلی علما، مسئولان و مردم که همانا موضوع ربا و عملیات شبیه‌ناک ربوی است، به‌صورت حاشیه‌ای پرداخته و اصلاح و ابتکار جدید مورد انتظار را در عملیات بانکی بدون ربا نیابوده و موضوع اصلی خود را تغییر در ارکان بانک مرکزی و سیاست پولی قرار داده است.» در بخشی از نامه آمده است: «متأسفانه همه این طرح، نه‌تنها مشکلات موجود را حل نمی‌کند بلکه آنها را تشدید کرده و موجب ایجاد چالش‌های جدید مدیریتی می‌شود.» در بخش دیگری نویسندگان نامه بیان داشتند: «مهم‌ترین مشکل این طرح این است که درصدد منسوخ کردن قانون پایه‌ای و ادغام موضوعات مختلف است که هر یک به‌تنهایی وزن کافی برای قانون شدن دارند. این طرح به مشکلات اصلی موجود نمی‌پردازد و اولویت‌ها را درنظر نگرفته است. در این طرح برای بانک مرکزی اهداف متضادی پیش‌بینی شده است. مهم‌ترین هدف بانک مرکزی باید حفظ ارزش پول و کنترل تورم باشد تا ثبات لازم را برای رشد اقتصادی به وجود آورد. این طرح اهداف رشد و اشتغال را برای بانک مرکزی درنظر گرفته که گاه می‌تواند متضاد با هدف اصلی بانک مرکزی باشد. سلطه مالی دولت در این طرح نه‌تنها کنترل نشده بلکه تشدید شده است که خود می‌تواند تورم لجام‌گسیخته ایجاد کند.»

۲- مخاطرات گنجاندن شورای مشورتی فقهی

مورد دیگری که در این نامه به آن اشاره شده، گنجاندن «شورای مشورتی فقهی» به‌عنوان مهم‌ترین رکن بانک مرکزی، آن هم با اختیارات بسیار وسیعی از قبیل نظارت بر عملکرد سیستم بانکی و نظارت بر کلیه بخشنامه‌ها و مقررات بانکی است. در نامه روسای اسبق بانک مرکزی آمده است: «ایجاد این رکن با این همه اختیارات ناقض اختیارات و مسئولیت‌های شورای نگهبان و مخالف قانون اساسی است. زیراشورای نگهبان تنها مرجع نظارت بر شرعی بودن و اسلامی بودن مقررات کشور است. به‌علاوه این اختیارات وسیع اختیارات و مسئولیت‌های دیگر ارکان بانک را محدودش کرده و معلوم نیست چه کسی مسئول سیاست پولی کشور است. اساساً در همه کشورهای اسلامی شورای فقهی شورایی مشورتی است و برای موضوع ربا و تشخیص آن در عقود اسلامی و تدوین مقررات مربوط به آن است. حتی در این مورد این شوراها بر تک‌تک عملیات نظارت نمی‌کنند و جانشین نهاد نظارت بر بانک‌ها نیستند بلکه برای تدوین مقررات مربوط به عقود اسلامی مشارکت می‌کنند. معلوم نیست با چه

منطقی در اینجا شورای فقهی به‌عنوان رکن بانک مرکزی پیش‌بینی شده و به نحوی مسئولیت سیاست پولی و اقتصادی و کنترل تورم و نقدینگی را به‌عهده گرفته است.»

۳- این طرح بسیار کوتوله است

یکی از انتقاداتها به طرح مجلس، ادغام چهار قانون پایه کشور، قانون پولی و بانکی، قانون عملیات بانکی بدون ربا، قانون اداره امور بانک‌ها، و قانون تأسیس بانک‌های غیردولتی و چند موضوع مهم دیگر نظیر تأسیس بانک توسعه جمهوری اسلامی ایران است. منتقدان می‌گویند این طرح با ۲۱۶ ماده درصدد بود که با اختلاط همه موضوعات پولی و اقتصادی و بانکی و عقود اسلامی قانونی جامع ارائه کند. با توجه به انتقادات فراوانی که به طرح وارد آمد، متعاقباً طرح به ۱۲۲ ماده تقلیل داده شد. پس از آن طرح ۸۰ ماده‌ای مطرح شد و در حال حاضر طرح ۶۷ ماده‌ای برای شور دوم تقدیم‌شده است. این درحالی است که اگر یک طرح واقعاً کارشناسی شده باشد، حتی نمی‌توان یک بند هم از آن کم کرد.

۴- دست دولت همچنان در جیب بانک مرکزی

مسورد پنجم که عده‌ای از منتقدان آن را مطرح می‌کنند این است که در این طرح استقلال بانک مرکزی حفظ نشده و بیشتر تحت کنترل دولت قرار می‌گیرد: این منتقدان می‌گویند: «مهم‌ترین مساله در نظام پولی و بانکی کشور که این طرح باید آن را حل کند، استقلال بانک مرکزی است که متأسفانه این طرح نه‌تنها در تأمین استقلال بانک مرکزی توفیق چندانی نداشته بلکه در مقایسه با قانون پولی و بانکی مصوب سال ۱۳۵۱ نیز پسرقت کرده است. در این طرح، نحوه انتخاب، انتصاب و عزل رئیس کل بانک مرکزی با تأیید رئیس‌جمهوری مشخص می‌شود، بنابراین، رئیس کل بانک مرکزی گمراهه رئیس‌جمهوری و مجری تصمیمات اوست که با این وضعیت نمی‌توان انتظار استقلال بانک مرکزی را داشت.» این منتقدان می‌گویند بنابراین، با این تغییرات تسلط دولت در مهم‌ترین ارکان بانک مرکزی بیشتر خواهد شد. در قانون پولی



و بانکی مصوب سال ۱۳۵۱، نمایندگان دولت فقط در شورای پول و اعتبار حضور دارند اما در طرح مجلس، در هیات‌عالی نیز حضور دارند و از آنجا که دایره تصمیمات هیات‌عالی بیشتر از شورای پول و اعتبار است، دخالت دولت در تصمیمات و سیاست‌های بانک مرکزی و بانک‌ها بیشتر خواهد شد. این منتقدان با پیش کشیدن دست‌درازی دولت به منابع بانک مرکزی و ایجاد ناترازی در نظام بانکی از طرق مختلف، می‌گویند این مشکل تنها با استقلال کامل بانک مرکزی حل خواهد شد.

۵- شاید انگیزه برای اصلاح کم شود

مؤلف کتاب‌های «معماران پسرل» و «بانکداری مرکزی و توسعه» درخصوص اینکه طرح بانکداری ج.ا.ا.آیا ابزارهای لازم برای اصلاح نظام بانکی را در اختیار مجری قرار می‌دهد یا خیر، به «فرهیختگان» گفت: «ما قبل از آنکه به اصلاح بپردازیم با این سوال روبه‌رو هستیم که اصلاً منظور از اصلاح در نظام بانکی یعنی چه؟ اصلاح نظام بانکی کلمه‌ای بسیار بزرگ و کلی است اما در این حد می‌توان گفت که می‌توان تمام انواع مختلفه که افراد از اصلاح نظام بانکی در ذهن دارند و به کار می‌برند از این قانون برداشت و استخراج کرد و مانعی ایجاد نمی‌کند. مگر در مواردی که مشکلی در حوزه تکرر رهبری و هدایت بانک مرکزی به وجود آمده است؛ چرا که اساساً در مقابل اقدامات اصلاحی عمل کرده و به‌نوعی آن را محافظه کارانه می‌کند. چون مجموعه‌ای که مبتنی بر جمع و شورااست درمقابل مجموعه‌ای که تکیه بر فرد دارد انگیزه‌های کمتری را برای اصلاح برمی‌انگیزد و موانع بیشتری را پیش‌پای اصلاح کشندگان قرار می‌دهد.» درودیان می‌گویند مهم‌ترین و تنها نقد بنده به این قانون مربوط به هیات‌عالی است که تعداد افراد زیادی دارد و ساختارهای مبتنی‌بر تکرر و مبتنی بر جمع و شورا مناسب مجموعه‌هایی است که نمی‌خواهند کاری انجام‌دهند و اگر بخواهند اقدامات اصلاحی انجام شود باید به هسته کوچکی محدود و محول شوند و زمانی که ترکیب بزرگ‌تر شود و هرکدام مسئولیتی داشته

باشند و احساس کنند مسئولیت توزیع شده و در بین همه پخش شده، انگیزه آنها برای تغییر و اصلاح کم می‌شود.

۵- دلیل موافقان در حمایت از طرح بانکداری

انتقادی که رفع شد

مخالفان این طرح را باید به قبل و بعد از اصلاح طرح تقسیم کرد. بخشی از انتقادات در اصلاحیه‌های قبلی مطرح شده بود. این انتقادات عمدتاً با پیش کشیدن موضوع ترکیب اعضای هیات‌عالی و هیات نظارت، معتقد بودند در طرح بانکداری ج.ا.ا.بانک مرکزی از ذیل دولت و حاکمیت خارج شده و این امر می‌تواند تبعاتی مانند قطع رابطه برنامه‌ریزی و نظام مالی کشور با سیاست پولی داشته باشد و سیاست پولی عملاً مستقل از برنامه‌های توسعه و سیاست مالی تنظیم شود. به‌عبارت دیگر، با مستقل شدن بانک مرکزی از دولت، نقش بانک مرکزی در پیشرفت کشور کاملاً حذف خواهد شد. این منتقدان با طرح این پرسش که آیا «هیات‌عالی بانک مرکزی مستقل از دولت» قرار است برای «رشد و اشتغال» در کشور سیاستگذاری کند؟ پرسش دیگری نیز داشتند و آن اینکه، وقتی بانک مرکزی قدرت «هدایت تسهیلات و اعتبار» دارد و هیات‌عالی بناسست در این باره تصمیم‌گیری کند، اعضای این هیات که اکثر باید دارای ۱۰ سال تجربه مفید در حوزه‌های اقتصادی، مالی یا بانکداری باشند، طبیعتاً از کدام بخش‌های اقتصادی حمایت خواهند کرد؟ پاسخ‌روشن است. چنان‌که تجربه جهانی نشان می‌دهد، آن سازوکار و این ترکیب، منجر به تقویت بخش مالی و مالی‌سازی اقتصاد (سودآوری بدون تولید) خواهد شد و تولید به حاشیه خواهد رفت. از این نکته بگذریم که دولت حتی با سهم ناچیز (مثال مالکیت خودروسازی) هم می‌تواند سیاست‌های مدنظر خود چه خوب یا چه بد را اعمال کند، اما آن‌طور که در ادامه می‌آید، با اصلاحیه اخیر، این بخش از انتقادات دیگر قابل طرح نیست.

۲- قدرت نظارتی بانک مرکزی بهتر شده

حسین درودیان از کارشناسان پولی و بانکی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» به برخی مزایای طرح بانکداری فعلی اشاره می‌کند. وی که مؤلف کتاب‌هایی همچون «معماران پول» و «بانکداری مرکزی و توسعه» است، درخصوص موارد قابل دفاع در طرح بانکداری ج.ا.ا می‌گوید: «در این طرح پررنگ‌ترین و مهم‌ترین وجهی که به آن پرداخته شده و به چشم می‌آید، بحث نظارت است و سعی دارد قواعد را بر بانک‌ها قاعده‌مندتر و سخت‌تر کند تا دست مجری و ناظر را در بانک مرکزی است. برای نظارت بر بانک‌ها باز بگذارو ابزارهای مختلفی در این مسیر به او بدهد. به همین دلیل در بعد نظارتی این قانون، از قلم افتادگی خاصی ندارد. ابزارهای نظارتی در این طرح بسیار متنوع بوده و نمی‌توان گفت این قانون بانک مرکزی را در وضعیتی قرار می‌دهد که تنها به نظارت پسبینی اکتفا کند و ابزارهای نظارتی پیشینی را هم فراهم کرده و همچنان دست بانک مرکزی را در حوزه نظارت بر بانک‌ها باز گذاشته است. در نسبت با دولت این طرح تلاش داشته‌توجه غیردولتی بودن را کمتر کند و به‌نوعی هم سعی کرده دیدگاهی را که معتقد به خارج شدن بانک مرکزی از نظارت دولت و حاکمیت است، کم‌رنگ کند اما به‌هرحال چنین در هیات‌عالی و تکتری که وجود دارد این کم‌رنگ شدن را به بار می‌آورد ولی با توجه به آخرین نسخه‌ای که مشاهده‌شده و انتخاب اعضای هیات‌عالی با انتخاب رئیس‌جمهور است، این جداشدن و بریدگی از دولت کم‌رنگ‌تر شده است.

۳- این طرح استقلال معتدلی را فراهم می‌کند

درودیان درخصوص نقدها به عدم تأمین استقلال بانک مرکزی با این طرح می‌گوید: «این قانون درمجموع حتماً از قوانین فعلی بهتر است، به‌خصوص در مواردی مثل شفافیت، نظارت و جلوگیری از تعارض منافع. درخصوص استقلال بانک مرکزی راه میانه‌ای را طی کرده و استقلال معتدلی را فراهم کرده تا هم آزادی عمل به بانک مرکزی برای اصلاح و تصمیم‌گیری داده باشسد و هم بانسک مرکزی را از ذیل دولت و حاکمیت خارج نکند. افرادی هم که انتقاد به این موضوع دارند به این دلیل است که حد بالایی از استقلال سیاسی از دولت و حاکمیت را مقروض گرفته و انتقاد دارند که چرا به آن مقدار نرسیده، درحالی‌که آن حد از استقلال سیاسی به‌طورکلی و به‌طور خاص در ایران مخاطره‌آمیز است و به‌جاهت مردم‌سالارانه ضربه می‌زند.

۴- حد بالای استقلال بانک مرکزی مخاطره‌آمیز است

برخی موافقان این طرح نیز درخصوص استقلال بانک مرکزی که منتقدان طرح فعلی بسیار روی آن تأکید دارند، می‌گویند این حد از استقلال بانک مرکزی با توجه به ساختار اقتصاد ایران، مخاطرات و شوک‌هایی همچون تخریم‌ها، برای اقتصاد ایران مخاطره‌آمیز است. البته که دغدغه منتقدان درخصوص کاهش تورم از بالا ریزه ضربه می‌زند. ارزشمند و منطقی‌ای است اما منتقدان در استدلال خود به‌دوره‌هایی که برخی کشورهای توسعه‌یافته همچون کشورهای شرق آسیا که دولت با مداخله در بانک مرکزی با سیاست‌هایی همچون «هدایت اعتبار» زمینه‌رشد اقتصادی را فراهم آورده‌اند، اشاره نمی‌کنند. نمونه دیگر، بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ و بحران کرونا در سه سال اخیر است که این اقدام در مورد استقلال بانک مرکزی که هرچه بیشتر بهتر» را زین‌سروال می‌برد. درواقع دولت‌ها در کشورهای توسعه‌یافته ه‌ر زمان اراده کنند می‌توانند بانسک مرکزی را مجبور به اقدامات موردنظر خود کنند. مورد بعدی اینکه در ایران برخلاف کشورهای توسعه‌یافته، بار مالی دولت از طریق نظام مالیاتی تأمین نمی‌شود و هم‌زمان کشور با شوک‌هایی همچون بحران کسری بودجه و بحران ارزی روبه‌رو است و خروج سرمایه و عدم امکان تشکیل سرمایه از مسیر سرمایه‌گذاری خارجی نیز همواره در جریان است. این موارد مشکلاتی است که هرکدام به‌نحوی سبب شکست بازار می‌شود و نیاز به مداخله فعالانه دولت را مهم‌تر می‌کند. بنابراین طرح فعلی بیش از این نمی‌تواند استقلال‌آلی از جنس بانک‌های مرکزی کشورهای توسعه‌یافته را فراهم کند.

۵- افزایش اقتدار بانک مرکزی

مورد دیگری که برخی موافقان طرح بانکداری مطرح می‌کنند این است طرح بانک مرکزی به‌طورکلی سودمندی فراوانی در ارتقای قوانین و شفافیت داشته و همچنین واجد مزایای جدی در مورد ساختار تصمیم‌گیری بانک مرکزی؛ پاسخگویی و شفافیت، اصلاح تعارض منافع و تقویت قدرت نظارتی بانک مرکزی است که می‌تواند منجر به بهبود وضعیت فعلی قوانین پولی و بانکی در کشور شود. اما درعین حال، گزارش شور دوم از منظر اصلاح ساختاری رابطه بانک مرکزی و دولت به نسبت گزارش شور اول، تضعیف شده که از منظر کارشناسی مناسب به‌نظر نمی‌رسد که باید در جلسات صحن علنی مجلس موردتوجه قرار بگیرد تا این نقاط ضعف نیز برطرف شود.

منبع: مرکز پژوهش‌های مجلس